



هر دادگاه بیرگلار<sup>۱</sup> اوایل پاییز سال گذشته محاکمه‌ای برگزار شد که از جریان آن مردم بسیار کم آگاهی یافتند. سه روزنامه‌ی محلی در بیرگلار؛ راینیشه روندشا<sup>۲</sup>، راینیشه تاگ بلاگ<sup>۳</sup> و دورتال بوت<sup>۴</sup> که گه‌گاه در ستون‌های «تر سالن دادگاه»، «در دادگاه»، «تازه‌های دادگاه» از گاو دزدی، تحققاتی رانندگی، دعوای جنایی گزارش‌های مفصلی منتشر می‌کنند، در این مورد تنها یک خبر کوتاه آوردند که در هر سه یکسان بود: «قاضی احتالی تعیب پدر و پسر شد. یکی از دوست‌داشتنی‌ترین شخصیت‌های شهر ما قاضی دکتر اشتولفوس<sup>۵</sup> که در اینجا شایسته‌ی تقدیر است، آخرین محاکمه‌ی پیش از بازنشستگی‌اش را در دادگاه یوهان و گنورگ گروول<sup>۶</sup> از هوزکیرشن<sup>۷</sup> ریاست کرد. این دو در حرکتی موهن در ماه ژوئن اذهان عمومی را مشوش کرده‌اند. هر دو پس از یک روز محاکمه به پرداخت کامل ضرر و زیان و شش هفته حبس محکوم شدند. آنان بعد از مشورتی کوتاه با وکیل مدافع‌شان دکتر هرمس<sup>۸</sup> از بیرگلار این جریمه‌ی سبک را

1. Birglar

2. Rheinische Rundschau

3. Rheinische Tagblatt

4. Duhrtalbote

5. Dr. Stollfuss

6. Gruhl

7. Huskirchen

8. Dr. Hermes

پذیرفتند. به خاطر این که مدت زمان بازداشت‌شان به حساب آورده می‌شد، توانستند بی‌درنگ آزاد شوند.»

هیئت تحریریه‌ی روزنامه‌های محلی راینشهر و نوندا و راینشهر تاگ‌بلات از چند هفته‌ی پیش از شروع محاکمه با هم به توافق رسیده بودند که در این مورد استثنایی با هم رقابت نکنند. موضوع محاکمه‌ی گرو را «چندان بها ندهند»، چرا که «حاصل‌چندانی ندارد». اگر هم خوانندگان از کمبود گزارش درباره‌ی جریان محاکمه‌ی گرو شکایت کردند، که احتمالش کم نبود، هر دو روزنامه برای خودشان بهانه‌ای تراشیده بودند که به گفته‌ی سردبیر نوندا، کریشل<sup>۱</sup>: «خیلی بهتر از کفش‌های پاتیناژ یک قهرمان جهانی روی یخ می‌نشست.» آن هم محاکمه‌ی یک قاتل بچه‌ها به نام شیون<sup>۲</sup> بود که همزمان در شهر بزرگ همجواری برگزار می‌شد و جریان آن میان خوانندگان روزنامه علاقمندان بیشتری داشت. تلاش برای ارتباط برقرار کردن این دو هیئت تحریریه با سردبیر، ناشر و چاپچی روزنامه‌ی دورتال‌بوته، آقای دکتر هولوگ<sup>۳</sup>، هم بی‌ثمر ماند. دکتر هولوگ که در منطقه‌ی بیرگلار به شکلی نقش اپوزیسیون را بازی می‌کند، از این قضیه بوی یک توطئه‌ی کاتولیکی - سوسیالیستی به مشامش خورده بود که البته خیلی هم ناحق به نظر نمی‌رسید. او به خبرنگار فعلی خودش و لنگانگ پرزل<sup>۴</sup> که پیش از این دانشجوی الهیات پروتستان بوده است، مأموریت داد که قضیه را زیر نظر داشته باشد. پرزل که از خبرهای قضایی بیش از هر خبر دیگری خوشش می‌آمد، از طریق همسر وکیل مدافع، دکتر هرمس از تاریخ غیرمنتظره‌ی برگزاری دادگاه اطلاع پیدا کرده بود. همین خانم وقتی که بعد از شرکت در جلسه‌ی سخنرانی با عنوان «مجمع کاتولیک‌ها و

1. Kirchel 2. Schewen 3. Dr. Hollweg  
4. Wolfgang Brehel

غیرمسیحیان» با سخنرانی اسقف دکتر کرب<sup>۱</sup> در یک کافه برای نوشیدن لیوانی آبجو نشسته بود، به او گوش زد کرده بود که چه مطالبی از دادگاه گرو واقعاً ارزش گزارش دارد: اعترافات کامل متهمان، عمل‌شان، شخصیت‌شان و از همه مهم‌تر بیان این حقیقت که دادستان برای این عمل حیرت‌انگیز هر دو گرو تنها محکومیتی در حد خسارت زدن به اموال و اعمال شرارت خواستار شده است و اصل جرم، آتش‌افروزی عمدی آشکار را نادیده گرفته است. به علاوه برای خانم هرمس که خودش هم در رشته‌ای از حقوق قضایی برای خودش با معدل بسیار خوب دکترایی کسب کرده، بسیار قابل تأمل بود که به چه سرعتی برگزاری محاکمه تارک دیده شده و متهمان چگونه در سلول‌هایی که به شکل موقت در ساختمان دادگاه ساخته شده بود، نگهداری می‌شدند. در بیرگلار سر زبان‌ها افتاده بود که آنها را نازنازی مثل پرنده توی انبار شاهدانه نگه می‌دارند. برای خانم هرمس بیش از هر چیز این مسئله درخور تأمل بود که محاکمه در دادگاهی محلی به ریاست شخصی به نام دکتر اشتولفوس برگزار می‌شد که در شرف بازنشستگی بود و در گذشته و حال به انسان‌دوستی مشهور بود و برای خودش از این جهت آوازه‌ای دست و پا کرده بود. به عقیده‌ی پرزل هم که تازه شروع به یادگرفتن مسائل حقوقی کرده بود، برای چنین جرمی نیاز مبرمی به هیئت منصفه بود و این کار به تنهایی از عهده‌ی یک قاضی بر نمی‌آمد. خانم هرمس هم حرف او را قبول داشت و رو به سخنان جلسه‌ی بعد از ظهر، اسقف دکتر کرب کرد که از وراچی‌های این حتم کافه‌نشین بیرگلاری حوصله‌اش سر رفته بود. از او خواست تا نکاتی چند از مطالب سخنرانی‌اش را در مورد نهضت جهانی کاتولیک‌ها برای

1. Dr. Kerb